

# شکست غول سانسور از غزه



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

استفاده از ابزار ادبیات برای رساندن صدای فلسطین و روایت آنچه در جریان اشغال اتفاق می افتاد، پیش از فراگیر شدن پلنفرم های اجتماعی نقش موثری در رساندن صدای مردم فلسطین به جهانیان داشت. حالا این روزها نسل جدید فلسطینی ها برای رساندن روایت فلسطین به گوش جهان از پلنفرم های شبکه اجتماعی نیز درکنار آن استفاده می کنند. ابزاری که اگرچه با فشار صهیونیست ها برای اعمال محدودیت بیشتر در شبکه های اجتماعی همراه شده اما همچنان توانسته تاثیر قابل توجهی را که فلسطینی ها برای استفاده از این ابزار در افکار عمومی دنیا گذاشته اند، متوقف کند.

## قصه شکست صهیونیست ها در جنگ افکار عمومی

از روزهای ابتدایی عملیات طوفان الاقصی، به این موضوع اشاره کرده ایم که صهیونیست ها علی رغم تلاش هایی که برای مظلوم نمایی کرده اند در میدان جنگ افکار عمومی، عملا بازی را باختند. روایت دقیق، درست و سریعی که رسانه های وابسته به مقاومت ارائه می دادند، باعث شد افکار عمومی دنیا که شاید پیش از این نسبت به مساله فلسطین و اسرائیل خشن بودند و آن را در اندازه مشکلی می دانستند که خاورمیانه با آن سروکار دارد، حالا در واکنش به آنچه در نوار غزه اتفاق می افتاد، به چشم نسل کشی و اقدام علیه انسان ها نگاه کنند که نتوانند از کنار آن بی واکنش عبور کنند؛ آنچه این روزها پیش از گذشت به چشم می خورد و در تغییر معادله جنگ به نفع فلسطینی ها نقش جدی داشته است. استفاده فلسطینی ها از مدیا و شبکه های اجتماعی برای روایت آن چیزی بود که در نوار غزه اتفاق می افتاد. اگر از فعالیت رسانه ها و خبرنگارهای رسمی مثل الجزیره عبور کنیم، کاربران عرب زبان و خصوصا خبرنگاران و فلسطینی های ساکن در نوار غزه، با فعالیت در شبکه های اجتماعی مثل توئیتر، اینستاگرام و تیک تاک روایت های میدانی و دقیقی از آنچه در سرزمین های اشغالی و نوار غزه اتفاق می افتاد، منتشر می کردند. ادامه همین فعالیت ها منجر شد دیگر کاربران شبکه های اجتماعی نیز با این اتفاق همراه شوند و پوشش هایی در این رابطه به باره بیفتد، که پوشش اخیر تیک تاک، از جمله این موارد است. نقش موثر و مثبتی را که بلاگران و خبرنگاران فلسطینی، برای روایت اتفاقات اخیر در ماجرای طوفان الاقصی ایفا کردند، نمی توان تنها منحصر به این روزها دانست، بلاگرها و خبرنگاران فلسطینی همواره و در طول این سال ها، فعالیت در این بستر را به شکلی جدی دنبال کرده اند و جزئی ترین روایت ها را درباره آنچه در سرزمین های اشغالی اتفاق می افتاد، منتشر و بر این مبنا به مرور مخاطبان خود را پیدا کرده اند.

## بایکوت روایت فلسطینی ها در شبکه های اجتماعی؟

نکته ای که همواره ناظر به این فعالیت ها مورد توجه قرار داشته، محدودیت هایی است که در این بسترها متوجه این کاربران شده است. در شبکه اجتماعی ایکس (X) اگرچه در روزهای ابتدایی ایلان ماسک صاحب این پلنفرم، همراه با جوی که در این پلنفرم اتفاق افتاده بود، مواضعی به نفع مردم فلسطین گرفت اما در چند روز اخیر محدودیت هایی در این شبکه اجتماعی برای فعالیت کاربران اعمال شده، از جمله اینکه میزان بازدید و پسندهای مرتبط با موضوع فلسطین، کاهش قابل توجهی داشته تا آنجا که با اعتراض کاربران همراه شده، شبکه اجتماعی ایکس در روزهای اخیر حساب های مرتبط به فلسطین، از جمله حساب الله لبنان را پاک کرده است. این محدودیت ها شامل اینستاگرام هم شده و در چند روز اخیر کاهش بازدید استوری های مرتبط با موضوع فلسطین، عدم نمایش پست های مرتبط با این موضوع به کاربران و بستن پیج های پرطرفدار مقاومت نیز از جمله محدودیت های این پلنفرم های پرکاربر بوده است. اگرچه این محدودیت ها انتشار اخبار مرتبط با غزه را با چالش مواجه کرده است، اما می توان گفت حالا دیگر کاربران و فعالان فلسطینی می دانند چطور در این پلنفرم ها فعالیت کنند که هم مشمول محدودیت ها نشوند و هم از این پلنفرم ها برای روایت آنچه در غزه اتفاق می افتاد، استفاده کنند. علاوه بر این در چند روز اخیر و همزمان با آغاز عملیات زمینی نیروهای صهیونیست، اپل و گوگل اعلام کردند نقشه های ترافیکی آنلین در سرزمین های اشغالی و غزه را غیرفعال کرده اند. این امری بود که گفته می شد برمیانی خواست نیروهای رژیم صهیونیستی صورت گرفته است. بلومبرگ به نقل از یکی از منابع خود اعلام کرده بود که «گوگل برای همراهی با درخواست نیروهای دفاعی اسرائیل ترافیک زنده و آنتی رادر نقشه غیرفعال کرده است و اسرائیل این درخواست را به این دلیل ارائه داده که این ویژگی می تواند، تحرک نیروهایشان را آشکار کند.» اقدامی که اپل نیز آن را انجام

داد و ترافیک زنده را از منطقه حذف کرد. نگاهی به این محدودیت ها در بستر پلنفرم ها و شبکه های اجتماعی که اگرچه خیلی فراگیر نبوده اند، این گزاره را تقویت می کند که صهیونیست ها برای جلوگیری از منفی تر شدن فضای افکار عمومی دنیا به دنبال اعمال فشار بر صاحبان این شرکت ها هستند اما در میدان واقعیت اتفاق چشمگیری مطابق با خواست آنها رخ نداده است. در سمت دیگر ما ماجرا اما همواره این ایده مطرح می شود که با توجه به اینکه این پلنفرم ها در اختیار شرکت های آمریکایی قرار دارد که امکان محدود کردن محتوا را دارند، پس این سکوها بسترهای مناسبی برای فعالیت نیستند. برای بررسی بیشتر این موضوع و میزان محدودیت های اعمال شده در شبکه های اجتماعی پیرامون اتفاقات غزه با پوریا آسترکی، کارشناس فضای مجازی گفت وگو کرده ایم که در ادامه می خوانید.

## شبکه های مربوط به شرکت متا بیشترین محدودیت اعمال شده را داشتند

آسترکی در ابتدا به بررسی اجمالی از محدودیت های شبکه اجتماعی پرداخت و بیشترین محدودیت ها را متوجه پلنفرم های مربوط به شرکت متا دانست و گفت: «اگر بخواهیم سه چهار شبکه اصلی اجتماعی را از منظر میزان کاربر بررسی کنیم، می توان گفت اتفاقاتی که در شبکه های مربوط به شرکت متا مثل فیس بوک و اینستاگرام دیده شده است، به نسبت بیشترین محدودیت اعمال شده را داشتند و صفحات پربیننده مربوط به مقاومت فلسطین، حذف شده و صفحاتی که اتفاق مربوط به حماس هم نبوده و رسانه ای بوده که ارتباط سازمانی و ایدئولوژیکی با حماس نداشته است، اما چون اخبار فلسطین را پوشش می دهد صفحه اش حذف شده است. برای مثال یکی از محدودیت ها این است که هشنگ فلسطین سانسور شده است؛ در چند روز اخیر در اینستاگرام که عبارت فلسطین را سرچ می کردید، نمی توانستید پیدا کنید. اینها نمونه کارهایی است که در فیس بوک و اینستاگرام انجام می شود. در توئیتر به نسبت محدودیت ها کمتر بوده است. فکر می کنم اگر چیزی را توئیتر مسدود هم کرده باشد، صفحات سازمانی و رسمی حماس یا کاربرهای سازمان یافته حماس باشد که بعضا دچار محدودیت شده باشند، اما در اظهار نظر و حمایت از اسم فلسطین و حماس کمتر یا اصلا محدودیتی ایجاد نشده است. شبکه تیک تاک ظاهرا محدودیت آنچنانی نداشته و کمپین مفصلی در حمایت از فلسطین با استفاده از تم پرچم این کشور و سرود و این موارد به راه افتاد، این شامل فعالیت شبکه های اجتماعی است.»

## سانسور اطلاعات در ابزارهای هوش مصنوعی مشهود است

آسترکی علاوه بر این به محدودیت هایی که پیرامون مساله فلسطین در هوش مصنوعی دیده شده اشاره کرد و آن را خطرناک دانست و گفت: «در دسترسی به داده های وب تا الان ابزار اصلی جست وجو، گوگل بوده است و شما با دسترسی به گوگل می توانستید به هر ابزاری دسترسی پیدا کنید، معمول آن این بود که گوگل به جز در مواردی که مساله کیی رایت یا چند موضوع خیلی خاص مثل جرایم سازمان یافته خیلی جدی، جرم و جنایت ها، آدم ربایی، سوء استفاده از کودکان و این طور موارد مطرح باشد، سانسوری در جست وجو اعمال نمی کرد. برای همین ما در وب ۲ که همان موتورهای جست وجو هستند، ابزاری داریم که می توانیم با آن دسترسی قابل قبولی به اخبار و اطلاعات داشته باشیم. در فاز جدیدتر وب ابزارهای هوش مصنوعی، مثل bard google، chat GPT، یک ابزار مهم برای دسترسی به اطلاعات هستند، این ماجرا خیلی خطرناک می کند. ببینید در شبکه های اجتماعی، در وب و وبلاگ ها کاربران و مردم دنیا می توانند آزادانه مطالب مورد نظر خود را منتشر کنند و این مطالب در موتورها و سیستم های جست وجوی داخل شبکه ها، دسته بندی می شود و در دسترس کاربران قرار می گیرد. بنابراین یک چرخش آزاد اطلاعات به معنای نسبی کلمه در وب وجود داشته است. با شیوع هوش مصنوعی اگر بخواهیم بدانیم داستان یک روایتی چیست، هوش مصنوعی ما را به جواب های متعدد نمی رساند و یک جواب در اختیار ما می گذارد. ماست سفید است یا سیاه؟ ماست سفید است. گردش اطلاعاتی که هوش مصنوعی فراهم می کند، خیلی صفر و یکی تر است. این چند وقت که من با هر دو ابزار هوش مصنوعی کار کردم و سوالاتی درباره فلسطین یا مقاومت و اسرائیل و اشغال پرسیدم، در اکثر موارد هوش مصنوعی از ارائه پاسخ ظرفه می رفت و در واقع پاسخی ارائه نمی دهد و می گوید من یک مدل زبانی هستم که در این مورد اطلاعاتی ندارم. به طور خیلی واضح سانسور اطلاعات در ابزارهای هوش مصنوعی مشهود است و این اتفاقا اینده را از نظر دسترسی به اطلاعات ترسناک می کند، چون سامانه مرکزی هوشمندی وجود دارد که این تصمیم را می گیرد که کاربر به چه اطلاعاتی دسترسی پیدا کند. الگوریتم موتور جست وجوی

گوگل هم در دسترسی به اطلاعات تاثیرگذار است، اما به نسبت تاثیر بسیار کمتری برای محدودیت دسترسی کاربر به اطلاعات دارد و بالاخره کاربر به اطلاعاتی دسترسی پیدا خواهد کرد.»

این کارشناس فضای مجازی در ادامه به محدودیتی که در هوش مصنوعی ضمن تحقیقی درباره فلسطین برخورد کرده اشاره می کند و توضیح می دهد: «در همین مدت من تحقیقی درمورد مسائل فلسطین انجام می دادم و اطلاعات مفصل و کاملی از طریق گوگل در اختیار من قرار گرفت ولی اگر می خواستم همان اطلاعات را از طریق هوش مصنوعی به دست بیاورم، هوش مصنوعی اطلاعات مورد نیاز را به من بر نمی گرداند با وجود اینکه اصلا سوال این نبود که حماس تورویست است یا نه و نمی خواستم موضوعی در حمایت یا مخالفت از حماس مطرح کنم. اصلا وارد این مصادیق مختلفی بین غرب بشدم و سوالاتم از فلسطین درباره هوش مصنوعی بوده است اما یا جواب هایی بی ربط یا سانسور شده می داد یا اصلا جوابی نمی داد.»

## نسبت به محدودیت های هوش مصنوعی حساسیت کمتری وجود دارد

وی علت اینکه این محدودیت ها چندان مورد توجه قرار نگرفته را فراگیرنشدن آن دانسته و توضیح می دهد: «بایکوت در هوش مصنوعی خیلی بیشتر و ترسناک تر بوده است و علت اینکه محدودیت ها خیلی دیده نشده است این بوده که هنوز کاربران کمی با هوش مصنوعی کار می کنند و خب در همین ایران ما ۴۰ میلیون کاربر در اینستاگرام فعالیت می کنند و اگر اتفاقی در اینستاگرام بیفتد همه ما خیلی سریع واکنش نشان می دهیم و حساسیت بیشتری به آن داریم. اما در هوش مصنوعی چون هنوز ابزارهای پرسش و پاسخ آن خیلی فراگیر نشده است شاید کمتر به آن توجه شده است. ولی من می خواهم بگویم که مصادیق مختلفی وجود دارد که نشان می دهد ابزارهای هوش مصنوعی چقدر کنترل شده به ما اطلاعات می دهند و این برای دسترسی ما به اطلاعات، معرفت و آگاهی در آینده ترسناک خواهد بود. چون سیستم های متمرکز و هدایت شده ای هستند و فقط مساله فلسطین نیست، یعنی وقتی معرفت شما با سیستم متمرکز هدایت می شود در موارد دیگر هم این اتفاق می افتد. درمورد قضایای سلیقه ای تر هم این اتفاق می افتد، مثلا نگاه من به محیط زیست ممکن است با نگاه فرد دیگری تفاوت کند، کافی است که هوش مصنوعی تصمیم بگیرد یک نگاه تندروانه محیط زیستی داشته باشد، شرایط متفاوت می شود، بشر به سمت دیگری حرکت خواهد کرد. همین نکته ای که ایلان ماسک دو سه روز پیش مطرح کرد در همین راستا بود که اگر افرادی که نگاه تندروانه در حفاظت از محیط زیست و مساله محیط زیستی دارند کنترل هوش مصنوعی را به دست بگیرند بشر ممکن است به سمت انقراض حرکت کند چون تصمیماتی که در هوش مصنوعی ساخته می شود، تصمیماتی است که می تواند با توسعه جامعه انسانی و میزان زاد و ولد الگوری جامعه انسانی در تضاد و خلاف کامل بشریت باشد؛ این نکته مهمی است. چون نسبت به فضایی که هوش مصنوعی نسبت به دسترسی مردم به اطلاعات ایجاد می کند، از یک سو یک ابزار بسیار راهگشا، مفید، کاربردی و پرسرعت است و از سوی دیگر

می تواند به سادگی هدایت پذیر و متمرکز باشد. از منظر بحث فلسفی و نسل جدید هم وب اتفاقی که درحال وقوع است، از یک طرف هوش مصنوعی را داریم که یک ابزار متمرکز است و از طرف دیگر بلاک چین را داریم که یک ابزار غیرمتمرکز است. من فکر می کنم، جدال هایی بین افرادی که فناوری و دانش را جلو می برند رخ دهد.»

## مهم ترین و تنها ابزار برای روایت ماجرای فلسطین همین شبکه های اجتماعی است

آسترکی در ادامه با توجه اینکه در مواقعی که محدودیت های این پلنفرم ها تشدید می شود، ادعاهای مبنی بر عدم حضور در این پلنفرم مطرح می شود نیز گفت: «یک دیدگاه و گروه خاص در ایران وجود دارد که نه تنها درک درستی از رسانه و ابزارهای آن ندارد که اتفاقا دشمن رسانه است و دشمن دسترسی به اطلاعات است. اگر بخواهیم عملکردیانه به ماجرا نگاه کنیم، می توانیم این سوال را مطرح کرد که چه رسانه ای بالاتر از اینستاگرام، توئیتر و تیک تاک، برای واکنش نشان دادن نسبت به اتفاقات فلسطین وجود دارد؟ مهم ترین و تنها ابزار ما این شبکه های اجتماعی است. مجموع فعالیت های تمام شبکه های تلویزیونی، سایت های خبری و روزنامه ها، در شورا دادن و تهییج مردم دنیا به حمایت از فلسطین، روی هم به اندازه توئیتر کارایی نداشته است و این یک واقعیت است. بنابراین وقتی ما از این صحبت می کنیم که در شبکه های اجتماعی فلان اکانت بسته شد، درست است اما چیزی که الان وجود دارد، خیال موجودین است و تنها ابزار موجود است. بنابراین اگر اینجا این موضوع مطرح شود که اصلا در توئیتر فعالیت نکنیم و در فلان پیام رسان بومی فعالیت کنیم، مثل این می ماند که بگویم در خیابان و میدان آزادی برای حمایت از فلسطین تجمع نکنیم و بیروم در حیاط خانه مان فعالیت کنیم و تفاوت این دو این است. فعالیت در این شبکه های اجتماعی با وجود محدودیت هایی که دارند که هر چند به نسبت حجم فعالیت هایی که در حمایت از فلسطین صورت گرفته کم بوده است ولی بهترین ابزار است و شما در عرصه گفت وگویی جهانی می توانید فعالیت کنید و من می بینم آن فرد در ترکیه، در آرژانتین چه می گوید، در برزیل چه می گوید، در ژاپن چه کار کرده است و اصلا ابزار دیگری وجود دارد که بتواند چنین پوششی برای ما فراهم کند و چنین ابزاری در اختیار ما قرار بدهد؟» این کارشناس فضای مجازی در ادامه به این موضوع نیز اشاره کرد که کاربران فلسطینی با روش های دوزدن این محدودیت ها آشنا هستند و ادامه داد: «ما شاهد زنده قضیه هستیم؛ این پوشش ها و حمایت ها و خبررسانی ها و همدردی ها دارد صورت می گیرد. یکی از فعال های آمریکایی که در همین دور از فعالیت ها، فعالیت های زیادی در حمایت از فلسطین انجام داده و نقدهای شدید و توهین و انتقاد های زیادی به مقامات آمریکایی در توئیتر وارد کرده است، از طریق پلنفرم توئیتر ابزار حمایت مالی معرفی کرده که شما می توانید همراه مبلغ کمی کمک مالی به آنها بکنید به این خاطر که بتواند فعالیت بهتری داشته باشد. در واقع خود توئیتر هم این اشتراک را برای او دریافت و پرداخت می کند. یعنی از کاربرانی مثل من دریافت و به او پرداخت می کند. یعنی حتی تامین مالی فعالان در توئیتر اتفاق می افتد.»

## نقدی بر محدودسازی فضای مجازی چه از سوی صاحبان شبکه های اجتماعی و چه قوانین داخلی

### برد در خانه حریف با خلاقیت ممکن است نه ترک میدان

عطیه همتی دبیر گروه نقد روز

هنوز مادر بزرگ های قدیمی و انقلابی در خاطرات شان تعریف می کنند که اعلامیه ها و نوارهای امام را زیر چادرهایشان می گرفتند و با خودشان جابه جا می کردند تا میان مردم پیش کنند، بلکه صدای امام و انقلاب اسلامی را به گوش جمع بیشتری برسانند. اعلامیه های ممنوعه ای که باید هر طور شده به دست مخاطبانش می رسید و هیچ راهی جز این نبود.

در چند روز گذشته صفحات اجتماعی حزب الله و حماس در توئیتر بسته شد. گوگل و اپل اعلام کردند برخی امکانات شان مانند نقشه را برای منطقه فلسطین محدود می کنند. اینستاگرام چندین و چند صفحه اطلاع رسانی از فلسطین را بست و حتی تاکنون صفحه بسیاری از کسانی که برای فلسطین و طوفان الاقصی پست حمایتی گذاشته اند، بسته شده است. همان طرز که سال ها قبل صفحه بسیاری از کاربران اینستاگرام به خاطر داشتن تصاویر شهید قاسم سلیمانی مسدود شد. هر بار نیز محدودیت های این پلنفرم برای کاربرانش بیشتر می شود،

به گونه ای که نوشتن برخی واژه ها مانند شهید به شکل هوشمند شناسایی شده و پست مذکور حذف می شود.

با وجود فعالیت های گسترده طرفداران فلسطین و انتشار ویدئوهای متعدد از غزه، همچنان در اینستاگرام به ندرت در صفحه اکسپلورر درباره فلسطین نمایش داده می شود. همزمان با این اقدامات بسیاری از کشورهای غربی مانند فرانسه، حمایت از فلسطین جرم انگاری شده است. وزیر کشور انگلیس اعلام می کند حتی اهتزاز پرچم فلسطین می تواند جرم باشد. همه این تلاش ها برای سکوت و بی سروصدا ماندن جنایات در غزه و جریان مقاومت اسلامی است که تنها راه صدورش این روزها در شبکه های اجتماعی بوده است. چون رسانه های رسمی که پا آن را بایکوت خبری کرده اند یا جهت گیری های انحرافی دارند. در سال های اخیر برخی محدودیت های ایجاد شده در شبکه های اجتماعی را بهانه کردند که باید این شبکه ها را ترک و تحریم کرد و در اپلیکیشن های داخلی فعالیت کرد. برخی نیز همین موضوع را در کنار همراهی برخی از این شبکه ها با التهایات کشور در سال گذشته قرار داده و فرصت را برای توجیه فیلتر کردن آنها مناسب دانستند. این مشی تقابل جوانه در نهایت منجر به فیلتر کردن

مهم ترین و پرکاربردترین شبکه اجتماعی در کشور شد. حال سوال اینجاست در دنیای شبکه های اجتماعی چطور می شود مفاهیم انقلاب و مقاومت اسلامی را صادر کرد؟ این روزها جنگ فلسطین و رژیم صهیونیستی دارد به خوبی اهمیت شبکه های اجتماعی را برای تبیین گفتمان مقاومت نشان می دهد و صاحبان رسانه های اجتماعی اسامی انقلاب اسلامی و تلاش ها درخصوص ساکت کردن صدای مردم مظلوم فلسطینی هنوز نتوانسته اند جلوی پیشروی این صدا را در شبکه های اجتماعی بگیرند؛ چراکه حامیان غزه می دانند با وجود همه تلاش ها برای ندیدن آنچه در غزه رخ می دهد تنها راه حل تبیینی این است که با به کار گرفتن خلاقیت همچنان در فضای رسانه ای محدود شده توسط غربی ها حضور داشت و از اندک منافذ برای رساندن نور واقعیت به مردم جهان بهره برد. می شود ابتکار عمل داشت و پروتکل های این شبکه ها را دور زد اما راه، فیلتر کردن و ترک فضا نیست. انکار که بگوییم در دولت پهلوی و طاغوت کردی نباید سر کار می رفت و کسی نباید در محل کارش حاضر می شد. این در حالی است که در زمان طاغوت بسیاری از فعالان انقلاب اسلامی در مناصب شان